

تحلیل توزیع فضایی شاخص‌های ترکیبی کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر چابهار)

پریسا قادری

گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد بین‌الملل چابهار، دانشگاه آزاد اسلامی، چابهار، ایران

مریم کریمیان بستانی^۱

گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

معصومه حافظ رضازاده

گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲

چکیده

شهر و شهرنشینی خود یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رفاه و توسعه اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود، اما رشد شتابان آن می‌تواند سرانه برخورداری از بسیاری امکانات اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهد و از این طریق پیامدهای آن به صورت کاهش سطح کیفیت زندگی در عرصه‌های مختلف شهری نمایان شود که این مسأله در شهرهای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران که افزایش جمعیت شهرها که در بیشتر مواقع ناخواسته و بدون برنامه‌ریزی به وقوع پیوسته است بسیار مشهود است. کیفیت زندگی مقوله‌ای است که بهبود آن می‌تواند زمینه‌های توسعه مانند توسعه اجتماعی، اقتصادی و کالبدی را به همراه داشته باشد، لذا با توجه به اهمیت موضوع، مطالعات ارزیابی کیفیت زندگی شهری و چگونگی توزیع آن در سطح نواحی بایستی به عنوان یک ضرورت در برنامه‌های توسعه شهری در سطوح ملی و محلی مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، هدف پژوهش حاضر تحلیل توزیع فضایی شاخص‌های ترکیبی کیفیت زندگی شهری چابهار، می‌باشد. رویکرد حاکم بر فضای تحقیق کیفی و کمی و نوع تحقیق کاربردی است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از تکنیک‌ها و مدل‌های (Fuzzy DEMITEL و VIKOR) استفاده شد. نتایج مدل Fuzzy DEMITEL نشان داد که همه شاخص‌های بعد اقتصادی، تاثیرگذار هستند. از بین چهار شاخص، بعد اجتماعی^۳ شاخص تأثیرگذار و فقط یک شاخص (خدمات آموزشی) با امتیاز (۰،۰۱۶-) تأثیرپذیر می‌باشد، همچنین از بین ۳ شاخص، بعد زیست محیطی همگی تأثیرپذیر و از بین شاخص‌های کالبدی فقط شاخص (مسکن) با امتیاز (۰،۲۴۲)، تأثیرگذار و بقیه تأثیرپذیر می‌باشد. نتایج نهایی اولویت‌بندی نواحی شهر چابهار با تاکید بر توزیع فضایی شاخص‌های ترکیبی کیفیت زندگی با استفاده از مدل ویکور نشان می‌دهد، بیشترین عدد Q متعلق به ناحیه ۲ شهر چابهار با وزن (۰،۷۶۰)، و کمترین وزن متعلق به ناحیه ۴ شهر چابهار با (۰،۵۷۴) می‌باشد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی، نواحی شهری، توزیع فضایی، شهر چابهار

مقدمه

توسعه جوامع شهرنشین بعد از تحولات صنعتی شدن، منجر به بروز تحولاتی در جوامع شهری شده است که یکی از جلوه‌های آن بروز ناهنجاری‌ها در جوامع شهری است (Malekshahi et al, 2020: 111). مشکلات و ناهنجاری‌های مانند، تخریب فیزیکی و محیطی، محرومیت اجتماعی، ناامنی، بیکاری، کمبود مسکن و مشکل ترافیک، که کیفیت زندگی شهری را به شدت کاهش می‌دهند (Shoroudi, 2003: 4). از این رو، گسترش روزافزون صنعتی شدن که خود را با تولید انبوه کالاها و خدمات متنوع در بعد کمی نشان می‌دهد، مشکلات بسیاری برای بشر مدرن به همراه آورده است؛ به همین دلیل، توجه بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران به مفهوم کیفیت زندگی معطوف شده است تا از این راه، تلاش‌هایی برای ارتقای شرایط زندگی و بهبود بخشیدن به بعد کیفی زندگی بشر انجام شود (Rabbani Kharsegani and Kianpour, 2007: 68). کیفیت زندگی نشان‌دهنده ویژگی‌های کلی اجتماعی و اقتصادی و محیطی است و می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه اجتماع به کار رود (Mousavi, and Bagheri Kashkoli, 2012: 97).

تاریخچه پیدایش مفهوم کیفیت زندگی به دوران ارسطو در ۳۸۵ سال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد (Fayers & Machin, 2000, 24). محققان گرایش‌های مختلف علمی کیفیت زندگی را از دهه ۱۹۳۰ مطالعه نموده‌اند. هر یک از این محققان درصدد بوده‌اند که نواحی مختلف جغرافیایی مانند شهرها، ایالت‌ها و ملت‌ها را بر اساس شاخص‌های کیفیت زندگی که خود طراحی کرده‌اند، مطالعه کنند (Wish, 1986, 93). توجه دانش جغرافیا به کیفیت زندگی و مفاهیم مربوط به آن به اواخر دهه ۱۹۶۰ بر می‌گردد. وجود شیوه‌های گوناگون معیشت در مکان‌های مختلف، محور مرکزی جهان بینی جغرافیدانان را تشکیل می‌داد. ولی معمولاً از هرگونه مقایسه‌ی کیفی صریح پرهیز می‌شد. آن چه که در مورد جغرافیای روشمند اجتماعی (یا رادیکال) که در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ شکل گرفت، جدید به شمار می‌رفت، توجه به عناوینی چون فقر، بهداشت، گرسنگی، جرم و جنایت و آلودگی محیط زیست و سهم هریک به عنوان شرایط متغیر فضایی در کیفیت عمومی زندگی مردم تا آن زمان مورد غفلت واقع شده بود (Smith, 2002: 171). موضوع کیفیت زندگی از دهه‌های پایانی قرن بیستم به این سو در ادبیات نظری توسعه اهمیت فوق العاده‌ای یافته است و مبنای تمایز و دسته‌بندی‌های نوین کشورها در سال‌های اخیر شده است. شاخص‌های توسعه‌ی انسانی، استانداردهای زندگی و مصرف، در سه دهه اخیر تحولی در ادبیات توسعه از حیث اهداف و چشم‌انداز به وجود آورده‌اند و همگی به نوعی با موضوع کیفیت زندگی مرتبط هستند (Roozbahani and Babaei Finey, 2015: 68). امروزه کیفیت زندگی به عنوان کلیدی‌ترین مفهوم در برنامه‌ریزی شهری مطرح است. بر این اساس در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته برنامه‌ریزان در تلاش برای نمایش سطوح کیفیت زندگی در سطوح مختلف جغرافیایی هستند تا از این طریق بتوانند راهکارهای بهینه‌ای را برای بهبود کیفیت زندگی نواحی عقب مانده از نظر شاخص‌های مورد بررسی بیابند (Lotfi and Saberi, 2012: 59). کیفیت زندگی شهری معمولاً از طریق شاخص‌های ذهنی حاصل از پیمایش و ارزیابی ادراکات و رضایت شهروندان از زندگی شهری و یا با استفاده از شاخص‌های عینی حاصل از

داده‌های ثانویه و به ندرت با استفاده از هر دو نوع شاخص‌ها اندازه‌گیری می‌شود (Pourqorban, 2018: 12). جوهر اصلی کیفیت زندگی شهری، تامین و ارضای نیازهای مادی و معنوی انسان به طور مداوم است. در واقع برنامه‌ریزی برای مسکن، کار و اشتغال یا حمل و نقل بدون تامین نیازهای روانی، عاطفی و اجتماعی شهروندان (مثل نیاز به امنیت، شادی، تفریح و غیره) ناقص خواهد بود (Parandavar and Ghorbanzadeh Moghaddam, 2018: 129).

در این راستا، امروزه بحث از عدالت اجتماعی در کانون مطالعات در تمامی رشته‌های مرتبط قرار دارد. تحقق عدالت اجتماعی در سکونتگاه‌ها در نهایت به رضایت شهروندان از شیوه زندگی خود منجر شده و به ثبات سیاسی و اقتدار ملی کمک شایانی خواهد کرد. از نقطه نظر جغرافیایی عدالت اجتماعی سکونتگاه مترادف با توزیع فضایی عادلانه امکانات و منابع بین مناطق مختلف یک سکونتگاه و بین آنها و دستیابی برابر شهروندان به آنها است زیرا عدم توزیع عادلانه آنها به بحران‌های اجتماعی و مشکلات پیچیده فضایی خواهد انجامید (Sharifi, 2006: 6). از طرف دیگر وجود نابرابری در کیفیت زندگی، گروه‌های محروم را متوجه گروه‌های مرجع نموده و مشکلات دیگری را ایجاد می‌کند (Jajarmi and Kalte, 2006: 5). بنابراین مهمترین رسالت برنامه‌ریزان و مدیران محلی در این زمینه تلاش برای دستیابی به آرمان فرصت‌های برابر در دسترسی گروه‌های مختلف جامعه به خدمات عمومی و از بین بردن تضاد در تامین فرصت‌های آموزشی، بهداشتی، خدماتی و ماندن آن است. رسیدن به چنین هدفی، رعایت اصل برابری و دستیابی برابر کیفیت زندگی در سکونتگاه از اولویت‌های اساسی است. مطالعه کیفیت زندگی شهری در نواحی شهری در سال‌های اخیر مورد توجه گسترده بوده است. محققان رشته‌های گوناگون در این عرصه مشارکت داشته‌اند. اما این مطالعات از جنبه‌های متعددی مانند مقیاس مطالعه، قلمرو مورد استفاده و روش‌های سنجش کیفیت زندگی متفاوت هستند. به این ترتیب که روش‌های گوناگونی برای مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری به کار گرفته شده است (Van Kamp et al, 2003, 5). بررسی و تحلیل کیفیت زندگی برای شناسایی قسمت‌ها و محله‌های محروم شهری و طرح رویکردهایی با هدف رفع محرومیت ضروری هستند و بی‌توجهی به چنین مطالعاتی، سیستم شهری را تا حد بسیاری مختل می‌کند و موجی از نارضایتی نسبت به زندگی را سبب می‌شود.

در این میان کشور ایران که از جغرافیای ناهمسانی در ارتباط با توسعه‌یافتگی تشکیل شده در حال شکل‌دهی به الگویی است که به‌شدت از گسست فضایی توسعه پیروی می‌کند (Faraji Malaee et al, 2010: 2-3). رشد شتابان شهرنشینی در ایران طی چند دهه اخیر تاثیرات ناشی از رشد شاخص‌ها بر ارتقا کیفیت زندگی را کاهش داده یا بی‌اثر کرده است. این بدان معنی است که رشد شهرنشینی (رشد تقاضا) با سرعتی به مراتب بیشتر از شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (رشد عرضه) در حال افزایش است. شهرنشینی کمی سهم و سرانه بسیاری از شاخص‌های کیفیت زندگی شهری را پایین آورده، تغییرات مثبت آن را کنترل کرده و از این طریق بر جنبه‌های اجتماعی شهرنشینی تاثیرات جدی گذاشته است. در چنین شرایطی، مطالعات ارزیابی کیفیت زندگی شهری بایستی به عنوان یک ضرورت در کنار مطالعات کمی و کالبدی شهرها، در برنامه‌های توسعه شهری در سطوح ملی و محلی مورد توجه قرار گیرد (Ali Akbari and Amini, 2010: 134). یکی از شهرهای که با این معضل روبرو بوده شهر چابهار

در استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. چابهار به دلیل موقعیت راهبردی، که نزدیک‌ترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه (افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان) به آب‌های آزاد است از اهمیت فراوانی برخوردار است. این موارد نشان از اهمیت اقتصادی و تجاری این منطقه دارد. شهر چابهار با توجه به موقعیت بندری که دارد، متأثر از نیروهای محرکه‌ای بوده که بر توسعه نامتوازن شهر دامن زده‌اند. بعد از شکل‌گیری منطقه آزاد چابهار و تاسیسات بندری در منطقه، این شهر، با رشد بی‌رویه کالبدی روبرو بوده است. زمین‌های ساخته‌شده در شهر چابهار طی سال‌های ۱۳۷۰ (۱۹۹۱ م) تا ۱۳۹۳ (۲۰۱۴ م) (دوره‌ای ۲۳ ساله)، افزایش ۱۲۰۹ هکتاری را تجربه کرده است. این افزایش با ایجاد منطقه آزاد تجاری - صنعتی چابهار از سال ۱۳۷۲ و توسعه فعالیت‌های تجاری و افزایش مهاجرت به شهر همراه بوده است؛ به طوری که امکان اشغال زمین‌های بیشتر شهری را پیرامون شهر و زمین‌های بایر را در محدوده شهر فراهم ساخته است. نرخ رشد جمعیت این شهر در چندین دوره گذشته سرشماری همیشه بالای چهار درصد بوده است. شهر چابهار همراه با تغییرات چند دهه اخیر در بعد کالبدی، تغییرات شگرف در شیوه زندگی، در ساختار نواحی شهری مواجه بوده است. به طوری که توسعه بی‌رویه شهرنشینی، مهاجرت و افزایش جمعیت و... موجب دگرگونی بیشتر در بافت و ساختار زندگی شهری در چابهار شده است. این شهر طبق آخرین تغییرات شهری از ۴ ناحیه و ۳۸ محله و جمعیتی معادل (۱۰۶۷۳۹ نفر) (Iranian Census of Population and Housing, 2016) و مساحتی معادل (۲۴۳۵۴۰۰۰ متر مربع) را شامل می‌شود. اما در میان نواحی ۴ گانه شهر چابهار از لحاظ دسترسی به امکانات و زیرساخت‌های شهری در درجات متفاوتی قرار دارند و تفاوت کیفیت زندگی در مناطق و محلات شهر به وضوح دیده می‌شود. لذا با توجه به اهمیت موضوع مطالعات ارزیابی کیفیت زندگی شهری و چگونگی توزیع آن در سطح نواحی بایستی به عنوان یک ضرورت در برنامه‌های توسعه شهری در سطوح ملی و محلی مورد توجه قرار گیرد. در مباحث جدید توسعه سواحل مکران بخصوص شهر چابهار، تأکید عمده بر توسعه انسانی است که این مهم جزء از راه سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر مباحث مربوط به تخصیص کارآمدتر منابع، که خود از مباحث عمده عدالت فضایی و اجتماعی است، امکان‌پذیر نمی‌باشد. این اصل می‌تواند زیربنای توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی شود. با توجه به این گفته‌ها، برنامه‌ریزی در جهت توسعه یکسان نواحی شهر چابهار در همه ابعاد (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی) در راستای دستیابی به کیفیت زندگی از ضروریات انجام این تحقیق می‌باشد. همچنین از طرف دیگر کیفیت زندگی اغلب با استفاده از شاخص‌های عینی یا شاخص‌های ذهنی و به ندرت با استفاده از هر دو شاخص اندازه‌گیری می‌شود که در این پژوهش به صورت ترکیبی بررسی شده است. در نهایت باید گفت، با توجه به موقعیت استراتژیک شهر چابهار، شاخص‌های کیفیت زندگی شهری از جهت ایجاد محیطی مناسب برای توسعه منطقه‌ای یکی از مسایل مهم در جذب سرمایه‌گذاری، در نتیجه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی منطقه خواهد بود و تحقیقات این چنین می‌تواند کمک شایانی در برنامه‌ریزی‌های آینده باشد.

لذا پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سوالات ذیل می‌باشد:

- کدام یک از ابعاد و شاخص‌های کیفیت زندگی از اهمیت بیشتری برخوردار هستند؟

- سطح کیفیت زندگی، در کدام یک از نواحی چهارگانه شهر چابهار بالاتر است؟

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از جمله تحقیقات کاربردی بوده و روش بررسی آن پیمایشی است. گردآوری اطلاعات به دو روش مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی صورت گرفته است. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل جامعه متخصصین و نخبگان و افراد مطلع که بر اساس نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۵۰ نفر به عنوان جامعه نمونه تعیین گردید. تجزیه و تحلیل اطلاعات، از تکنیک‌ها و مدل‌های (Fuzzy DEMITEL و VIKOR) استفاده شد.

روش Fuzzy DEMITEL روشی شناخته شده و جامع برای به دست آوردن یک مدل ساختاری است که روابط متقابل بین عوامل پیچیده دنیای واقعی را فراهم می‌کند. روش دیمتل فازی به بررسی روابط بین معیارها و زیرمعیارها می‌پردازد و توسط ماتریس ارتباط کل معیارهای تاثیرگذار و تاثیرپذیر (یا به عبارتی دیگر معیارهای علی و معلول) را مشخص می‌سازد. این روش از روشهای تصمیم‌گیری چند شاخصه می‌باشد. همان طور که از نام این روش پیداست تمامی محاسبات در محیط فازی صورت می‌گیرد.

روش ویکور از یک عبارت صربستانی به معنای راه حل توافقی و بهینه سازی چند معیاره می‌باشد. روش ویکور یک تصمیم‌گیری چند معیاره برای حل یک مساله تصمیم‌گیری با معیارهای نامناسب و واحدهای اندازه‌گیری مختلف و متعارض است. روش VIKOR بر تمرکز بر رتبه بندی و انتخاب از بین یک مجموعه راه کار در مساله ای با داشتن معیارهای مخالف هدف گذاری شده است.

پیشینه تحقیق

ملکشاهی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به تحلیل الگوی فضایی شاخص‌های کیفیت زندگی در اجتماعات شهری (نمونه موردی: اسلامشهر)، پرداخته‌اند. این پژوهش پس از بیان نظریات کیفیت زندگی و نقد آنها، نسبت به بررسی وضعیت مولفه‌های کیفیت زندگی در جوامع شهری پرداخته و در نهایت این نتیجه حاصل شده است که شهر اسلامشهر در مجموع در شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیستی دارای کیفیت زندگی مطلوبی نبوده است. همچنین در پایان الگوی فضایی رضایت مندی اجتماعی و اقتصادی در شهر اسلامشهر نیز در قالب نقشه ترسیم شده است. پرنادآور و قربانزاده مقدم (۱۳۹۷)، در پژوهشی به بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی در منطقه چهار شهرداری مشهد، پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که شاخص‌های کالبدی و فضایی در اکثر منطقه ضعیف عمل کرده است و همچنین تاثیر شاخص‌های کالبدی بیش از شاخص محیطی می‌باشد و نقش پررنگ‌تری را در ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان ساکن منطقه ۴ شهرداری مشهد به خود اختصاص داده است. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی به ارزیابی فضایی کیفیت زندگی در بافتهای فرسوده شهر کوه‌دشت، پرداخته‌اند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که علاوه بر کمبود شاخص‌های کیفیت زندگی در سطح محله‌های بافت فرسوده شهر کوه‌دشت، پراکنش کیفیت زندگی در محلات مذکور نیز به صورت عادلانه صورت نگرفته، به طوری که محله‌های بوعلی، فردوسی و صاحب

الزمان به ترتیب با امتیاز تلفیقی به میزان ۰۰/۳، ۹۴/۲ و ۹۴/۲ در رتبه‌های اول، دوم و سوم، و محله‌های انتهای بوعلی، جهاد شمالی و تازه‌آباد به ترتیب با امتیازهایی به میزان ۰۰/۲، ۳۱/۲ و ۳۴/۲ در رتبه‌های یازدهم، دهم و نهم قرار گرفتند بنابراین مسئولان و مدیران شهری باید نسبت به در نظر گرفتن راهکارهای افزایش سطح کیفیت زندگی در شهر کوهدشت به ویژه بافت‌های فرسوده و توزیع عادلانه آن اقدام نمایند. لطفی و صابری (۱۳۹۱)، در پژوهشی به عنوان بررسی و ارزیابی کیفیت زندگی شهروندان و نابرابری این سطح کیفیت در سطح ناحیه‌ای در شهر یاسوج، به این نتایج رسیدند: نواحی شهر در سه سطح برخوردار، نیمه برخوردار و یا متوسط، و محروم و یا فرو برخوردار طبقه‌بندی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهند که در میان ناحیه‌های شهر یاسوج ناحیه ۴ با ضریب اولویت ۰/۰۴ در پایین‌ترین سطح برخوردار قرار گرفته، و ناحیه‌های ۳ و ۱ هر کدام در ضریب ۰/۰۴۸ و ۰/۰۴۳ در سطحی نزدیک به یکدیگر در سطح دوم و یا نیمه برخوردار و ناحیه ۲ با برخورداری کامل در سطح و با ضریب ۰/۰۸۹ در ناحیه‌ها قرار دارند. ایزو و ایبن (۲۰۱۳)، در پژوهشی به بررسی رضایت از کیفیت زندگی (ذهنی) در خانه‌های عمومی مناطق شهرداری جنوب غرب نیجریه پراخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ۶۱ درصد پاسخگویان در کل از زندگی در خانه‌های فعلی خود راضی بودند اما از نظر دسترسی به خدمات و امکانات زیربنایی احساس نارضایتی می‌کردند. زانیال و همکاران (۲۰۱۲)، شرایط مسکن و کیفیت زندگی فقرای شهری در مالزی رابطه معناداری بین شرایط مسکن، بهداشتی، ایمنی، و حمایت اجتماعی و کیفیت زندگی وجود دارد و مسکن نه تنها یک سر پناه فیزیکی بلکه نقش مهمی در سلامت جسمی، روانی و عاطفی فرد با توجه به ابعاد کیفی ارائه شده توسط شرایط مسکن و محیط اطراف منطقه مسکن دارد. رسوو و پاچکو (۲۰۱۱)، در پژوهشی به بررسی کیفیت زندگی در سطح منطقه‌ای نیوزلند پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در زمینه کیفیت زندگی، ترنکی و نلسون در حال بهبود هستند و خلیج پلنتی و یکاتوش ممکن است بدتر از حد موجود شوند که نتایج آن، پیامد مهمی در تصمیم‌گیری‌های سطوح منطقه‌ای دارد. اوکتای و رستمی (۲۰۱۰)، اندازه‌گیری کیفیت زندگی شهری و رضایت محله؛ منطقه مورد مطالعه: فاماگوستا به این نتایج رسیدند که: در مقایسه با رضایت یک فرد از خانه، همسایگان نزدیک و ویژگی‌های آن، رضایت از کیفیت کلی زندگی شهری در فاماگوستا پایین‌تر است. در حالی که تقریباً دو سوم (۶۶٪) از نمونه به طور کلی از محله خود راضی بودند، فقط ۲۱ درصد از کیفیت زندگی راضی بودند. سیک (۲۰۰۰)، در پژوهشی به بررسی ذهنی کیفیت زندگی شهری در سنگاپور پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در سال ۱۹۹۷، شاخص کیفیت زندگی در سنگاپور به‌طور متوسط زیاد بوده است و پاسخگویان از شاخص‌های سیاسی، مذهبی و فراغت کیفیت زندگی رضایت داشته‌اند و از بهداشت و کالاهای مصرفی ناراضی بوده‌اند.

مبانی نظری

شهر و شهرنشینی خود یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رفاه و توسعه اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود، اما رشد شتابان آن می‌تواند سرانه برخورداری از بسیاری امکانات اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهد و از این طریق پیامدهای آن به صورت کاهش سطح کیفیت زندگی در عرصه‌های مختلف شهری نمایان شود که این مسأله در

شهرهای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران که افزایش جمعیت شهرها که در بیشتر مواقع ناخواسته و بدون برنامه‌ریزی به وقوع پیوسته است بسیار مشهود است. به همین دلیل یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزان و مدیران شهری در عصر حاضر افزایش سطح کیفیت زندگی در شهرها و بالا بردن میزان رضایت‌مندی در بین شهروندان می‌باشد (Mousavi, and Bagheri Kashkoli, 2014).

کیفیت زندگی واژه‌ای پیچیده، چندبعدی و کیفی درباره شرایط و وضعیت جمعیت در مقیاس جغرافیایی ویژه (شهر، منطقه، محله، بخش و ...) است که به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و شاخص‌های عینی یا کمی متکی است و مفهوم کیفیت در برابر کمیت قرار می‌گیرد. کمیت را مفهومی فیزیکی و برآوردپذیر و کیفیت را مفهومی انتزاعی می‌دانند. در کل، کیفیت و کمیت دو روی یک سکه هستند که از یک سو با هم متضادند و از سوی دیگر، بدون یکدیگر تصور نمی‌شوند (Pour Jafar, 2005: 6-7). کیفیت زندگی شهری علاوه بر وضعیت فرد از نظر پایگاه اجتماعی، اقتصادی، سلامت و ... به معنا و احساس رضایتی بستگی دارد که فرد از زندگی دارد (Vazifedoost and Amini, 2009: 9).

واژه کیفیت زندگی توسط بسیاری از مردم به عنوان ذهنیت خوب از زندگی، استفاده می‌شود و اینکه مردم قادر باشند با موفقیت و خوشحالی در محیط زندگی کنند. و نیز اشاره به خصوصیات فیزیکی، روانی و جامعه‌شناسی مردم دارد. کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی و متأثر از زمان، مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است و ابعاد ذهنی و درونی دارد لذا اجاعی برای تعریف کیفیت زندگی وجود ندارد مرور متون مرتبط با کیفیت زندگی (Krnitcyna et al, 2016, Weziak & Bialowolska, 2016, Streimikiene, 2014, Mohit, 2014, keles, 2010,)

(Theofilou, 2013)، حاکی از تایید نظر متون مختلف درباره ابهام در مورد تعریف کیفیت زندگی است.

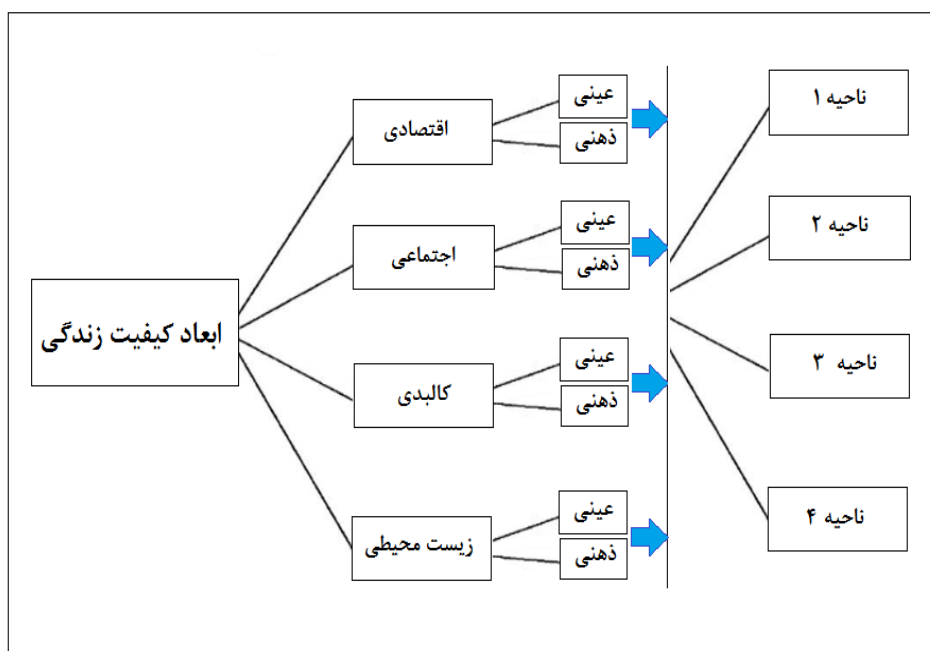
منظور از کیفیت زندگی توجه به شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی، روانی و ... در دو جنبه عینی (کمی) و ذهنی (کیفی) در روند برنامه‌ریزی کیفیت زندگی مانند کیفیت دسترسی، کیفیت مسکن، کیفیت فضاهای گذران اوقات فراغت و ... است (Lashkari and Khalaj, 2014: 9). رویکرد کیفیت زندگی شهری، تلاشی برای ایجاد شهر سالم و فراهم کردن خدمات شهری مناسب و در دسترس برای همگان در چارچوب پایداری و ایجاد احساس رضایت است (Harpham et al, 2001, 109).

جدول (۱): مولفه‌های کیفیت زندگی شهری موجود در ادبیات جهانی

محقق	مولفه‌های کیفیت زندگی شهری در ادبیات
لیو (۱۹۷۶ م)	اقتصاد، سیاست، اجتماع، سلامت و آموزش.
بویر (۱۹۸۱ م)	آب و هوا، مسکن، سلامت و محیط، جرم، حمل و نقل، آموزش، هنرها، سرگرمی، اقتصاد.
بلوم کونیست (۱۹۸۸ م)	میزان بارش، رطوبت هوا، درجه گرمای روزانه، سرعت باد، تابش آفتاب، ساحل دریا، جرم‌های سنگین، نسبت معلم به دانش آموز، میدان دید، ذرات معلق در هوا، تخلیه فاضلاب، از بین رفتن املاک، اعتبار مالی بالا، موقعیت درمانی، مرکز شهری.
استور و لوین (۱۹۹۲ م)	
صوفیان (۱۹۹۳ م)	امنیت عمومی، هزینه غذا، فضای زندگی، استاندارد مسکن، ارتباطات، آموزش، سلامت عمومی، آرامش سکون، جریان ترافیک، هوای تمیز.
سازمان ملل متحد (۱۹۹۴ م)	پیش بینی زندگی، نسبت بی سواد بزرگسالان، میانگین قدرت خرید.
پروتاسینکو (۱۹۹۷ م)	درآمد ماهیانه برای هر شخص، توزیع درآمد، هزینه ماهیانه مواد غذایی.

بهبود کیفیت زندگی در هر جامعه‌ای، یکی از مهمترین اهداف سیاست‌های عمومی جامعه است. در طول سه دهه اخیر، کیفیت زندگی، به عنوان جانشینی برای رفاه مادی، به اصلی‌ترین هدف اجتماعی کشورهای مختلف تبدیل شده است. در سال‌های اخیر مطالعات پیرامون کیفیت زندگی به طور عمده بر ماهیت شهری تمرکز کرده و بحث بر روی کیفیت زندگی شهری در میان تحقیقات و مطالعات تجربی رواج یافته است. بدون شک تمایل جمعیت در سرتاسر جهان برای تمرکز یافتن در شهرها، یکی از دلایل اصلی تقویت این جریان مستقل در تحقیقات بر روی کیفیت زندگی می باشد (Ibid, 65).

در نهایت بر اساس جمع‌بندی نظریه‌ها و یافته‌های پژوهش‌های دیگر می‌توان به یک نتیجه‌گیری کلی دست یافت و مدل مفهومی توزیع فضایی شاخص‌های ترکیبی کیفیت زندگی در نواحی شهر چابهار را به خوبی به تصویر کشید. لذا این استدلال در چهارچوب مدل مفهومی تحقیق با توجه به ساختار روابط موجود بین متغیرها مطابق شکل (۱)، ارائه شده است.

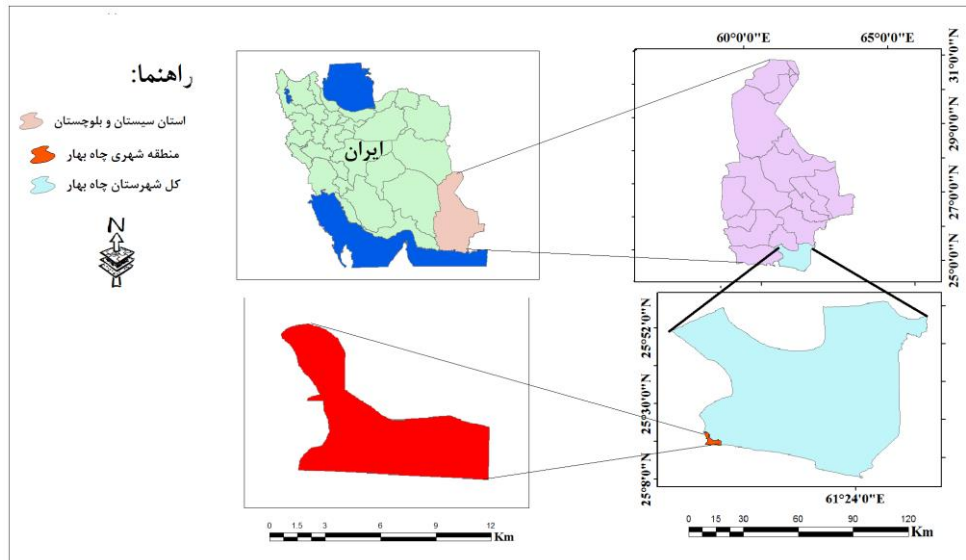


شکل (۱): مدل مفهومی تحقیق

Source: Authors, 2019

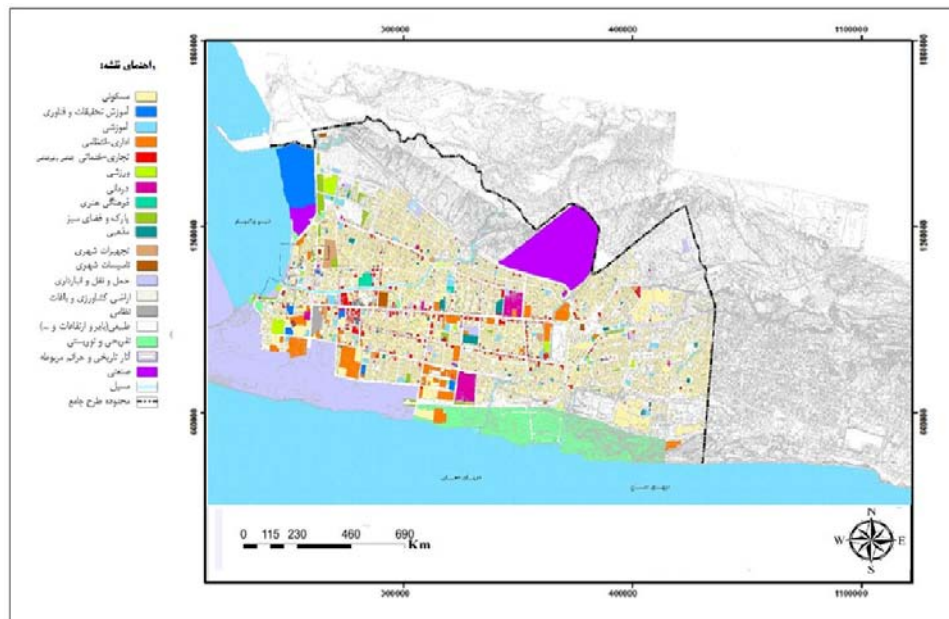
محدوده مورد مطالعه

چابهار از شمال به شهرستان‌های ایرانشهر و نیک شهر، از سوی خاور به پاکستان، از جنوب به دریای عمان و از باختر به شهرستان جاسک محدود می‌گردد. چابهار که مرکز آن بندر چابهار است از دو بخش مرکزی و دشتیاری تشکیل گردیده است. علاوه بر مرکز شهرستان چابهار و مرکز بخش دشتیاری (شهر نگور) شهر کنارک در این منطقه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (شکل ۲). وجود ۱۹/۹ درصد از جمعیت شهرستان در مناطق شهری و ۸۰/۱ درصد در مناطق روستایی، نمایانگر حقایقی آشکار از برتری استقرار جمعیت روستایی نسبت به جمعیت شهری است (Governorate of Sistan and Baluchestan, 2018).



شکل (۲): موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه در تقسیمات سیاسی استان و منطقه، Source: Authors, 2019

در شهر چابهار بیشترین کاربری ارضی به کاربری مسکونی و کمترین سطح کاربری به اراضی کشاورزی و باغات (شکل ۳)، اختصاص دارد (Chabahar Municipality, 2018).



شکل (۳): کاربری اراضی شهر چابهار، Source: Authors, 2019

بندر امروزی چابهار اهمیت سوق‌الجیشی دارد و در حال حاضر یکی از مناطق آزاد تجاری کشور محسوب می‌شود. اما از سابقه شهر نشینی و نحوه پیدایش شهر چابهار اطلاع دقیقی در دست نیست. با مطالعه و پژوهش دقیق تاریخی می‌توان تا حدودی به این زمان دست یافت. براساس شواهد موجود، این شهر بندری پس از متروکه شدن بندر تاریخی تیس نام و اعتبار گرفته است. چابهار از دیر باز به دلیل داشتن موقعیت خاص استراتژیک و شرایط مناسب بندری مورد توجه بود و این خصوصیات آن باعث گردید که پای بیگانگان و قدرت‌های استعماری به این شهر

بندری مهم باز شود. این مسئله علاوه بر اقدامات استعماری از سوی بیگانگان باعث بر هم زدن بسیاری از تعاملات فرهنگی اجتماعی چابهار شده است. تحولی عظیم که در دوره های گذشته در حوزه اقتصاد و تجارت چابهار و استان رخ داد پیدایش منطقه آزاد تجاری صنعتی چابهار به عنوان محور توسعه استان می باشد.

در دوره قاجار در سال ۱۲۷۰ قمری، ابراهیم خان بهزادی بمی (سرتیپ) به حکومت بمپور انتخاب شد و در عصر حکمرانی او دولت وقت ایران بلوچستان را تصرف کرد. در سال ۱۲۸۱ قمری، ابراهیم خان قلعه محکم «ایرافشان» که تسخیرناپذیر به نظر می‌رسید را تصرف کرد و بدین ترتیب قدرت دولت مرکزی را تا نزدیکی کوهک و چابهار و گواتر توسعه داد. چابهار اما تا سال ۱۲۸۹ قمری در تصرف اعراب مسقط قرار گرفت و آن‌ها تلاش داشتند این بندر مهم را متصرف گردند. انگلیس‌ها و به ویژه شخص گلداسمید که برای حکمیت مرزی بین ایران و منطقه کلات تحت نفوذ انگلیس منصوب شده بود نیز از ادعای اعراب مسقط بر چابهار پشتیبانی می‌کردند. برای جلوگیری از چنین تهدیداتی، دولت ایران دست به کار شد و ابراهیم خان در سال ۱۲۸۹ قمری بندر چابهار را تصرف کرد تا قدرت خود را بسط دهد. در سال ۱۳۰۴ خورشیدی، دولت قاجار تلاش کرد حاکمیت خود را بر چابهار تثبیت کرده و سردار دین محمدخان داماد دوست محمدخان را سرکوب نماید. در گزارش فرمانده قسمت کرمان در دهم اسفندماه ۱۳۰۴ به وزارت جنگ، بر ضرورت مقابله با دین محمدخان و ایجاد پادگان نظامی در چاه بهار و برقراری نظم در امور گمرک این شهر تأکید شده است. در این گزارش، به این موضوع نیز اشاره گردیده بود که ناآرامی‌ها در بلوچستان و به ویژه آشوب‌های دین محمدخان بر اثر سیاست دولت انگلیس است و دلیل این سیاست دولت انگلیس نیز بیم این دولت از اقتدار دولت مرکزی ایران در بلوچستان و به ویژه در چاه بهار دانسته شده است. اقتداری که می‌توانست نفوذ ایران در بلوچستان انگلیس را نیز امکان‌پذیر نماید. در سال ۱۳۰۷ خورشیدی، عملیات نظامی علیه دوست محمدخان آغاز شد. در بهمن ماه ۱۳۰۷ آخرین حکومت بلوچستان سقوط کرد. با حذف دوست محمدخان از معادلات سیاسی بلوچستان، قدرت دولت مرکزی در این ایالت، و از جمله در چابهار به‌طور کامل تثبیت شد (همان منبع). در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی طرح جامع راه‌اندازی بندر چابهار آغاز شد و در همین راستا قراردادهایی نیز با پیمانکاران منعقد گردید، پس از پیروزی انقلاب اسلامی چند سال عملیات راه‌اندازی بندر متوقف شد پس از آن مجدداً این پروژه از سر گرفته شده و در سال ۱۳۶۲ عملاً به بهره‌برداری رسید. البته تکمیل این پروژه تا چند سال بعد نیز ادامه پیدا کرد (Chabahar Municipality, 2018).

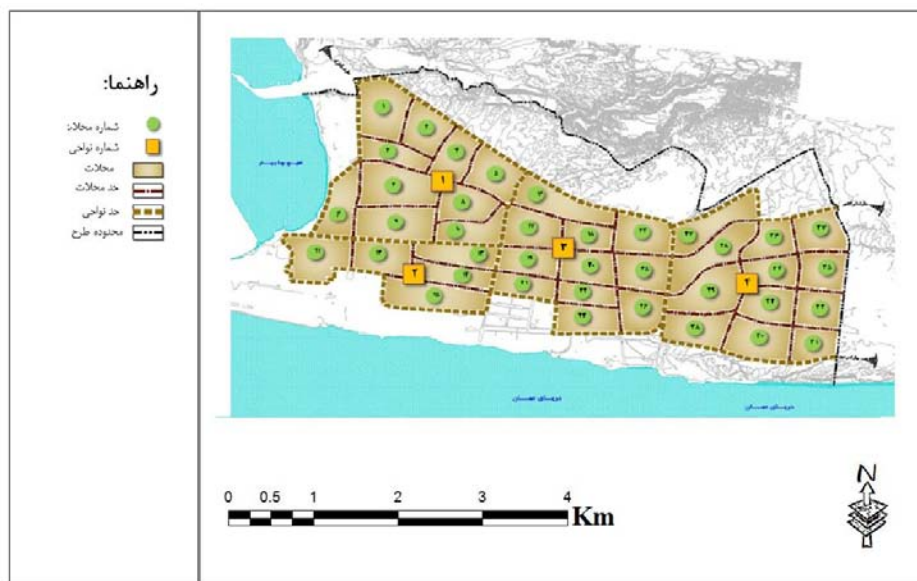
همجواری منطقه آزاد چابهار با دریا، نزدیکی به مدار رأس‌السرطان و قرار گرفتن در مسیر بادهای موسمی شبه قاره هند و جبهه‌های استوایی موجب گردیده است که دارای آب هوایی گرمسیری معتدل با رطوبت نسبی باشد. این منطقه گرمترین نقطه کشور در زمستان و خنک‌ترین بندر جنوبی ایران در تابستان است. متوسط دمای بیشینه (در خرداد ماه) طی یک دوره ۷ ساله ۳۱ درجه سانتیگراد، متوسط دمای کمینه (در دی ماه) ۱۹ درجه سانتیگراد، و متوسط دما در طول سال ۲۶ درجه سانتیگراد است. حداقل رطوبت نسبی ۶۰ درصد و متوسط رطوبت نسبی ۷۰

درصد گزارش شده است. متوسط بارندگی سالانه کمتر از ۲۰۰ میلی‌متر در سال است که ۶۴ درصد آن در زمستان می‌بارد.

به‌طور کلی آب و هوای چابهار دارای کمترین تغییرات در فصول چهارگانه سال است و درجه رطوبت تنها در دو ماه از سال (اردیبهشت و خرداد) بالا می‌رود. برای مثال، هوای شهر چابهار در تابستان از تهران خنک‌تر است. آنچه کمی برای مسافران و برخی ساکنان آزار دهنده است شرجی بیش از حد هواست که سنگینی و کسلی بدن را افزایش می‌دهد.

طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیت شهر چابهار طبق آخرین سرشماری (۱۰۶۷۳۹ نفر)، بوده است. در تمام طول دوره‌های سرشماری نسبت جمعیت مردان نسبت به زنان در شهر چابهار برتری نسبی داشته است. اما در دوره ۱۳۹۰ تقریباً به هم نزدیک هستند (Iranian Census of Population and Housing, 2016).

شهر چابهار طبق آخرین تقسیمات شهری به چهار ناحیه و ۳۸ محله تقسیم شده است (شکل ۴). در بین نواحی چهارگانه شهر چابهار ناحیه ۱ با ۴۱۷٫۲ هکتار و جمعیت ۳۷۵۱۱ نفر بزرگترین ناحیه شهر محسوب می‌شود (Chabahar Municipality, 2018).



شکل (۴): نقشه نواحی و محلات شهر چابهار، منبع: شهرداری شهر چابهار، 2019، Authors

استخوان بندی فضاهای شهری

شبکه راه‌ها با نظامی ارگانیک و سلسله مراتبی که متأثر از دما و رطوبت محیط، جهت وزش باد، عوارض طبیعی زمین، مالکیت و خصوصیات اجتماعی و اقتصادی ست شکل گرفته است. معابر در بافت قدیم به نحوی است که بادهای غالب و مناسب (شمال و شمال غربی) در آن جریان یابد و تا حد امکان کوچه‌ها به سمت دریا کشیده شده‌اند تا باد خنک دریا را به داخل بافت بکشانند. در بافت قدیم چابهار کوچه بن بست به ندرت یافت می‌شود و بلوک‌ها توسط کوچه‌ها احاطه شده‌اند تا حداکثر سطوح هواخور را داشته باشند. کوچه‌ها با عرض کم و پیچ در پیچ با وجود بالکن‌های معلق، فضاهای لازم همراه با کوران هوا و شرایط مناسب جهت گذران در فصول گرم را فراهم

می‌آورند. پر و خالی بافت مذکور باعث اختلاف فشار هوا در فضاها شده و جریان هوا را تسهیل می‌نماید. محصوریت سلسله مراتب، حریم‌ها و عرصه‌های اجتماعی در واحدهای همسایگی رعایت شده است که در نهایت به پایداری اجتماعی شهرهای ساحلی کمک به سزایی کرده است (Chabahar Municipality, 2018).

یافته‌ها

بررسی و تحلیل تاثیر گذاری ابعاد و شاخص‌های چهارگانه کیفیت زندگی در نواحی شهری چابهار

مراحل انجام مدل دیمتل فازی

دیمتل که از انواع روش‌های تصمیم‌گیری بر پایه مقایسات زوجی می‌باشد، با بهره‌مندی از قضاوت خبرگان در استخراج عوامل یک سیستم و ساختاردهی سیستماتیک به آنها توسط بکارگیری اصول تئوری گراف‌ها، ساختار سلسله‌مراتبی از عوامل موجود در سیستم، همراه با روابط تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل عناصر مذکور به دست می‌دهد، به گونه‌ای که شدت اثر روابط مذکور و اهمیت آن‌ها را به صورت امتیازی عددی معین می‌کند. ابتدا ابعاد و شاخص‌های پژوهش تعیین و در جدول (۲) آورده شده است.

جدول (۲): ابعاد و شاخص‌های پژوهش

بعد	علامت اختصاری	شاخص
زیست محیطی	A ₁	مسائل زیست محیطی
	A ₂	خطرات طبیعی
	A ₃	دفع زباله و پسماند
اجتماعی و فرهنگی	A ₄	امنیت
	A ₅	فعالیت فرهنگی و هنری
	A ₆	خدمات آموزشی
	A ₇	خدمات سلامتی و بهداشتی
کالبدی	A ₈	زیرساخت و خدمات شهری
	A ₉	بازآفرینی شهری
	A ₁₀	مسکن
اقتصادی	A ₁₁	هزینه تامین نیازهای زندگی
	A ₁₂	عرضه کالا و خدمات
	A ₁₃	هزینه درآمد و اشتغال

Source: Research Findings

به منظور مقایسه معیارها با یکدیگر از ۵ تعداد عبارت کلامی استفاده شده است که نام این عبارات و مقادیر فازی معادلشان در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول (۳): عبارات و مقادیر فازی معادلشان

عبارت کلامی	تأثیر خیلی زیاد	تأثیر زیاد	تأثیر کم	تأثیر خیلی کم	بدون تأثیر
مقدار فازی	(۰,۷۰۰, ۰,۹۰۰, ۱,۰۰۰)	(۰,۵۰۰, ۰,۷۰۰, ۰,۹۰۰)	(۰,۳۰۰, ۰,۵۰۰, ۰,۷۰۰)	(۰,۱۰۰, ۰,۳۰۰, ۰,۵۰۰)	(۰,۰۰۰, ۰,۱۰۰, ۰,۳۰۰)

Source: Research Findings

برای بررسی معیارها از نظر ۱۲ خبره (متخصص در مدیریت شهری و اساتید گروه جغرافیا) استفاده شده که در مرحله اول مقایسات زوجی توسط هر خبره انجام شده، که در این ماتریس‌ها، $\tilde{x}_{ij} = (l_{ij}, m_{ij}, u_{ij})$ اعداد فازی مثلثی می‌باشند و $\tilde{x}_{ii} = (i = 1, 2, 3, \dots, n)$ به صورت عدد فازی (0,0,0) در نظر گرفته می‌شوند. به دلیل افزایش حجم جداول در متن فقط نتایج انجام این مدل بیان شده است.

پس از مقایسات زوجی خبرگان، از نظرات آنها میانگین حسابی گرفته می‌شود و سپس ماتریس مربوطه نرمالیزه می‌گردد. در مرحله بعد ماتریس روابط کل فازی (t) به دست می‌آید.

گام بعدی به دست آوردن مجموع سطرها و ستون‌های ماتریس \tilde{T} است. مجموع سطرها و ستون‌ها با توجه به فرمول‌های (۱ و ۲) به دست می‌آوریم.

$$\tilde{D} = (\tilde{D}_i)_{n \times 1} = [\sum_{j=1}^n \tilde{T}_{ij}]_{n \times 1} \quad (۱)$$

$$\tilde{R} = (\tilde{R}_i)_{1 \times n} = [\sum_{i=1}^n \tilde{T}_{ij}]_{1 \times n} \quad (۲)$$

که \tilde{D} و \tilde{R} به ترتیب ماتریس $1 \times n$ و $n \times 1$ هستند.

مرحله بعدی میزان اهمیت شاخص‌ها $(\tilde{D}_i + \tilde{R}_i)$ و رابطه بین معیارها $(\tilde{D}_i - \tilde{R}_i)$ مشخص می‌گردد. اگر $\tilde{D}_i - \tilde{R}_i > 0$ باشد معیار مربوطه اثرگذار و اگر $\tilde{D}_i - \tilde{R}_i < 0$ باشد معیار مربوطه اثرپذیر است. جدول (۴)، $\tilde{D}_i + \tilde{R}_i$ و $\tilde{D}_i - \tilde{R}_i$ را نشان می‌دهد.

جدول (۴): اعداد فازی اهمیت و تأثیرگذاری شاخص‌ها

معیار	$\tilde{D}_i + \tilde{R}_i$	$\tilde{D}_i - \tilde{R}_i$
A ₁	(2.014,5.426,27.514)	(-12.999,-0.114,12.501)
A ₂	(2.082,5.556,27.910)	(-13.260,-0.192,12.567)
A ₃	(1.979,5.360,27.269)	(-12.843,-0.120,12.447)
A ₄	(1.952,5.281,26.930)	(-12.235,0.147,12.743)
A ₅	(2.007,5.416,27.474)	(-12.526,0.124,12.941)
A ₆	(2.015,5.416,27.420)	(-12.733,-0.001,12.672)
A ₇	(1.992,5.363,27.176)	(-12.424,0.056,12.759)
A ₈	(2.042,5.462,27.594)	(-13.495,-0.360,12.058)
A ₉	(2.033,5.453,27.602)	(-12.918,-0.074,12.651)
A ₁₀	(2.019,5.425,27.498)	(-12.423,0.167,13.056)
A ₁₁	(2.122,5.628,28.118)	(-12.367,0.313,13.630)
A ₁₂	(1.960,5.327,27.217)	(-12.091,0.278,13.166)
A ₁₃	(1.973,5.348,27.219)	(-12.481,0.072,12.765)

Source: Research Findings

در گام بعدی اعداد فازی $\tilde{D}_i + \tilde{R}_i$ و $\tilde{D}_i - \tilde{R}_i$ به دست آمده از مرحله قبلی را طبق فرمول (۳) دیفازی می‌کنیم. یعنی اعداد فازی را به اعداد قطعی تبدیل می‌کنیم.

$$B = \frac{(a_1 + a_3 + 2 \times a_2)}{4} \quad (۳)$$

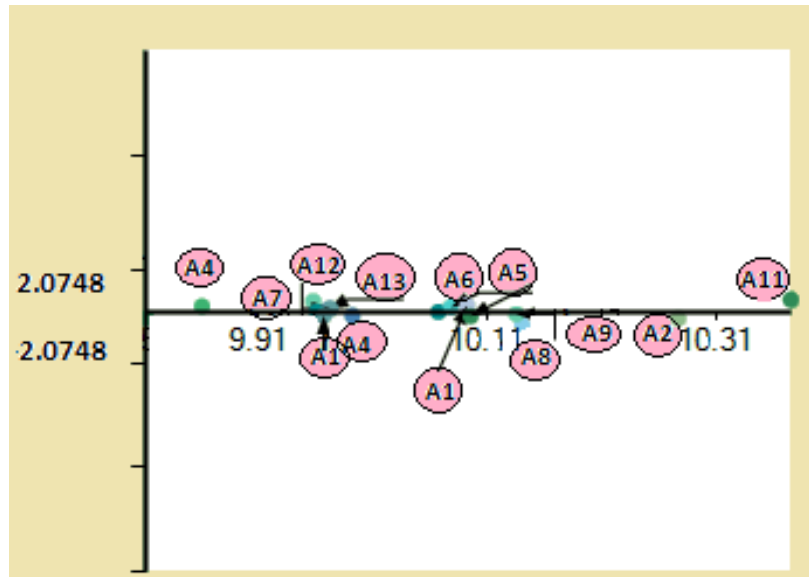
B دیفازی شده عدد $\tilde{A} = (a_1, a_2, a_3)$ است.

جدول (۵): اعداد قطعی اهمیت و تأثیرگذاری شاخص‌ها

معیار	$(\tilde{D}_i + \tilde{R}_i)^{def}$	$(\tilde{D}_i - \tilde{R}_i)^{def}$
A ₁	10.093	-0.181
A ₂	10.277	-0.269
A ₃	9.994	-0.159
A ₄	9.863	0.201
A ₅	10.075	0.166
A ₆	10.066	-0.016
A ₇	9.975	0.112
A ₈	10.143	-0.539
A ₉	10.137	-0.104
A ₁₀	10.090	0.242
A ₁₁	10.376	0.472
A ₁₂	9.954	0.408
A ₁₃	9.973	0.107

Source: Research Findings

نتایج جدول (۵) نشان می‌دهد که معیارهای ۴، ۵، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ تأثیرگذار و دیگر معیارها تأثیرپذیر هستند. شکل (۵) میزان اهمیت و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین معیارها را نشان می‌دهد. محور افقی نمودار اهمیت معیارها و محور عمودی تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری معیارها را نشان می‌دهد.



شکل (۵): نمودار روابط و اهمیت معیارها، Source: Research Results

که همه شاخص‌های بعد اقتصادی، تأثیرگذار هستند. از بین چهار شاخص، بعد اجتماعی ۳ شاخص تأثیرگذار و فقط یک شاخص (خدمات آموزشی) تأثیرپذیر می‌باشد، همچنین از بین ۳ شاخص، بعد زیست محیطی همگی تأثیرپذیر می‌باشند. در بین شاخص‌های کالبدی فقط شاخص (مسکن)، تأثیرگذار و بقیه تأثیرپذیر می‌باشد. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که معیارهای اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی تأثیرگذار هستند. در نهایت می‌توان گفت که ابعاد زیست محیطی و کالبدی از ابعاد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی تأثیر می‌گیرند.

تحلیل اولویت‌بندی نواحی شهر چابهار با تاکید بر توزیع فضایی شاخص‌های ترکیبی کیفیت زندگی با استفاده

از مدل VIKOR

در ادامه به بررسی نحوه پیاده‌سازی مدل ویکور پرداخته می‌شود، مراحل کار به طور کامل توضیح داده شده و سپس نحوه‌ی استفاده از آن در زمینه مطالعه موردی به بحث گذاشته می‌شود.

مرحله اول: تعیین وزن معیارها: در این بخش هریک از نواحی بر اساس معیارها و شاخص‌ها ارزیابی می‌شوند. چون این معیارها و شاخص‌ها نتایج چون به صورت داده خام وجود دارد توسط کارشناسان از ۱ تا ۱۰ ارزیابی شدند جدول (۶).

جدول (۶): نتایج معیارها و شاخص‌ها به صورت کیفی

۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
	خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
										کم

Source: Research Findings

جدول (۷): نتایج معیارها و شاخص‌های کمی

	اقتصادی	کالبدی	اجتماعی- فرهنگی	زیست محیطی
aij	۰/۸۹	۰/۷۲	۰/۸۶	۰/۸۵
ناحیه ۱	۴	۵	۵	۳
ناحیه ۲	۶	۷	۶	۵
ناحیه ۳	۵	۶	۶	۴
ناحیه ۴	۴	۳	۴	۳

Source: Research Findings

مرحله دوم: نرمال کردن ماتریس تصمیم‌گیری از طریق فرمول زیر می‌توان عمل کرد:

$$r_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m x_{ij}^2}}$$

ابتدا همه مقادیر ماتریس به توان ۲ رسانده و مجموع هر ستون جمع می‌گردد و سپس جذر مجموع هر ستون گرفته شده و در نهایت هر یک مقادیر بر جذر به دست آمده تقسیم می‌گردد.

جدول (۸): توان ۲ و مجموع هر ستون

	اقتصادی	کالبدی	اجتماعی- فرهنگی	زیست محیطی
aij	۰/۸۹	۰/۷۲	۰/۸۶	۰/۸۵
ناحیه ۱	۱۶	۲۵	۲۵	۹
ناحیه ۲	۳۶	۴۹	۳۶	۲۵
ناحیه ۳	۲۵	۳۶	۳۶	۱۶
ناحیه ۴	۱۶	۹	۱۶	۹
جمع	۹۳	۱۱۹	۱۱۳	۵۹

Source: Research Findings

جذر مجموع هر ستون و تقسیم هر یک از مقادیر توان شده بر جذر مجموع

جدول (۹): جذر مجموع هر ستون و تقسیم هر یک از مقادیر توان شده بر جذر مجموع

	اقتصادی	کالبدی	اجتماعی- فرهنگی	زیست محیطی
aij	۰/۸۹	۰/۷۲	۰/۸۶	۰/۸۵
ناحیه ۱	۰/۱۷۲	۰/۲۱۰	۰/۲۲۱	۰/۱۵۲
ناحیه ۲	۰/۳۸۷	۰/۴۱۱	۰/۳۱۸	۰/۴۲۳
ناحیه ۳	۰/۲۶۸	۰/۳۰۲	۰/۳۱۸	۰/۲۷۱
ناحیه ۴	۰/۱۷۲	۰/۰۷۵	۰/۱۴۱	۰/۱۵۲

Source: Research Findings

مرحله سوم: وزن دار کردن ماتریس نرمال: جهت وزن دار کردن، مقادیر ماتریس نرمال هر یک از گزینه‌ها بر وزن معیارها (که قبلاً از روش‌های دیگر به دست آمده بود) ضرب می‌گردد.

جدول (۱۰): وزن دار کردن ماتریس نرمال

	اقتصادی	کالبدی	اجتماعی- فرهنگی	زیست محیطی
aij	۰/۸۹	۰/۷۲	۰/۸۶	۰/۸۵
ناحیه ۱	۰/۱۵۳	۰/۱۵۱	۰/۱۹۰	۰/۱۲۹
ناحیه ۲	۰/۳۴۴	۰/۲۹۵	۰/۲۷۳	۰/۳۵۹
ناحیه ۳	۰/۲۳۸	۰/۲۱۷	۰/۲۷۳	۰/۲۳۰
ناحیه ۴	۰/۱۵۳	۰/۰۵۴	۰/۱۲۱	۰/۱۲۹

Source: Research Findings

مرحله چهارم: تعیین مقادیر بالاترین و پایین‌ترین ارزش ماتریس نرمال وزنی بزرگترین و کوچکترین عدد هر ستون تعیین می‌گردد.

در اینجا منظور از بزرگترین عدد، یعنی عددی بیشترین ارزش مثبت را داراست و کوچکترین یعنی بیشترین ارزش منفی.

پس اگر معیار ما از نوع منفی باشد، بزرگترین عدد برعکس می‌شود یعنی می‌شود کمترین مقدار و کوچکترین می‌شود بیشترین مقدار و بالعکس

$$f_i^* = \max_j f_{ij}; \quad f_i^- = \min_j f_{ij}$$

جدول (۱۱): تعیین مقادیر بالاترین و پایین‌ترین ارزش ماتریس نرمال وزنی

f max	۰/۳۵۹	۰/۲۷۳	۰/۲۹۵	۰/۳۴۴
f min	۰/۱۲۹	۰/۱۲۱	۰/۰۵۴	۰/۱۵۳
f+ - F-	۰/۲۳۰	۰/۱۵۲	۰/۲۴۱	۰/۱۹۱

Source: Research Findings

مرحله پنجم: تعیین شاخص مطلوبیت (S) و شاخص نارضایتی (R):

$$S_j = \sum_{i=1}^n w_i \cdot \frac{f_i^* - f_{ij}}{f_i^* - f_i^-}; \quad R_j = \max_i \left[w_i \cdot \frac{f_i^* - f_{ij}}{f_i^* - f_i^-} \right]$$

* = بزرگترین عدد ماتریس نرمال وزنی برای هر ستون

fij = عدد گزینه مورد نظر برای هر معیار در ماتریس نرمال وزنی

f- = کوچکترین عدد ماتریس نرمال زونی برای هر ستون

طبیعتاً برای گزینه به ازای هر معیار یک شاخص مطلوبیت به دست می‌آید که مجموع آنها شاخص نهایی S_j گزینه را مشخص می‌کند.

بزرگترین S_j هر گزینه به ازای هر معیار، شاخص نارضایتی (R) آن گزینه می‌باشد.

مرحله ششم: محاسبه مقدار Q و رتبه بندی نهایی گزینه‌ها از طریق فرمول زیر:

$$Q_j = v \cdot \frac{S_j - S^-}{S^* - S^-} + (1 - v) \cdot \frac{R_j - R^-}{R^* - R^-}$$

V = عدد ثابت 0.5

S_j = مجموع مقدار S برای هر گزینه

S- = بزرگترین عدد شاخص S برای هر گزینه

S* = کوچکترین عدد شاخص S برای هر گزینه

R_j = مجموع مقدار R برای هر گزینه

$R =$ بزرگترین عدد شاخص R برای هر گزینه

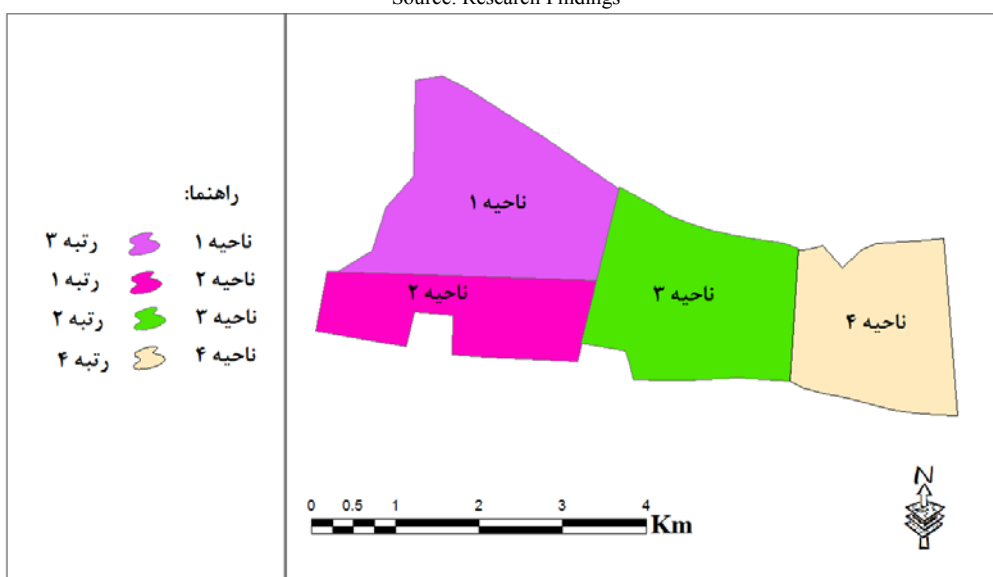
$R^* =$ کوچکترین عدد شاخص R برای هر گزینه

در نهایت بیشترین مقدار Q به عنوان بهترین گزینه انتخاب می‌شود.

جدول (۱۲): مقادیر Q به دست آمده در ناحیه شهر چابهار

رتبه	امتیاز	نواحی شهری
۳	۰/۶۱۱	ناحیه ۱
۱	۰/۷۶۰	ناحیه ۲
۲	۰/۷۲۳	ناحیه ۳
۴	۰/۵۷۴	ناحیه ۴

Source: Research Findings



شکل (۶): نتایج نهایی رتبه‌بندی نواحی شهر چابهار با استفاده از مدل ویکور

Source: Research Findings

همانطور که نتایج نهایی مدل ویکور در جدول (۱۲) و شکل (۶)، نشان می‌دهد، بیشترین عدد Q متعلق به ناحیه ۱ شهر چابهار با وزن (۰,۷۶۰)، و کمترین وزن متعلق به ناحیه ۴ شهر چابهار با (۰,۵۷۴) می‌باشد.

نتیجه‌گیری و دستاوردهای علمی و پژوهشی

شکل‌گیری، رشد و گسترش مفهوم کیفیت زندگی در طی نیم قرن اخیر، آن را به مفهومی کلیدی و مهم در عرصه مباحث جهانی و مسائل انسانی تبدیل کرده است، به طوری که امروزه در کنار مفاهیم توسعه پایدار، مفهوم کیفیت زندگی نیز مطرح شده است. برای سنجش کیفیت زندگی عمدتاً از شاخص‌های عینی و ذهنی یا ترکیبی از هر دوی آن‌ها استفاده می‌شود. توجه دانش جغرافیا به کیفیت زندگی و مفاهیم مربوط به آن به اواخر دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد. امروزه کیفیت زندگی شهری به عنوان کلیدی‌ترین مفهوم در برنامه‌ریزی شهری است. بر این اساس در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته برنامه‌ریزان در تلاش برای نمایش سطوح کیفیت زندگی در سطوح مختلف جغرافیایی هستند تا از این طریق بتوان راهکارهای بهینه‌ای را برای بهبود کیفیت زندگی نواحی عقب مانده از منظر شاخص‌های مورد بررسی بیابند.

نواحی شهری مراکز اصلی رشد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در هر کشوری هستند و خود را به عنوان جذاب‌ترین نقاط برای ایجاد ثروت، کار، خلاقیت و نوآوری اثبات کرده‌اند. اما در عین حال این نواحی با چالش‌های مهمی نیز در زمینه‌های تخریب فیزیکی و محیطی، محرومیت اجتماعی، ناامنی، بیکاری، کمبود مسکن، ترافیک و حاشیه نشینی روبرو هستند که این مشکلات کیفیت زندگی شهری را به شدت کاهش می‌دهد. با این وجود سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان سطوح بین‌المللی و ملی بر قابلیت شهرها برای بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها تاکید دارند این مسائل و مشکلات باعث توجه فزاینده محققین رشته‌های گوناگون به مطالعه کیفیت زندگی، کیفیت مکان و بهزیستی انسانی در نواحی شهری کشورهای مختلف به عنوان ابزاری برای پشتیبانی از سیاست‌گذاری‌های عمومی، تدوین و پایش استراتژی‌های مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و درک و اولویت‌بندی مسائل اجتماع شده است. اما این مطالعات از جنبه‌های متعددی مانند مقیاس مطالعه، قلمروهای مورد استفاده و روش‌های سنجش کیفیت زندگی متفاوت هستند. به این ترتیب که روش‌های گوناگونی برای مطالعه کیفیت زندگی در نواحی شهری به کار گرفته شده است. لذا هدف پژوهش حاضر تحلیل توزیع فضایی شاخص‌های ترکیبی کیفیت زندگی شهری چابهار، می‌باشد.

در این پژوهش ابتدا با استفاده از نظر کارشناسان و متخصصان گذاری اهمیت و میران تاثیرگذاری ابعاد و شاخص‌های چهارگانه کیفیت زندگی در نواحی شهری چابهار با استفاده از مدل دیمتل فازی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج مدل دیمتل فازی نشان داد که سه شاخص‌های بعد اقتصادی (هزینه تامین نیازهای زندگی، عرضه کالا و خدمات و هزینه درآمد و اشتغال)، تاثیرگذارترین شاخص نسبت به سایر شاخص‌های ابعاد دیگر هستند. با برتر دانستن فرهنگ مصرف جهانی و پاسخ افراد به این فرهنگ، درآمد و ثروت به عنوان عوامل اساسی موثر بر کیفیت زندگی افراد تلقی می‌شود. به این معنی که لیست ضروریات اولیه زندگی و تاثیر آن بر کیفیت زندگی در حال افزایش است.

از بین چهار شاخص (امنیت، فعالیت فرهنگی و هنری، خدمات آموزشی، خدمات سلامتی و بهداشتی)، بعد اجتماعی ۳ فقط شاخص خدمات آموزشی با امتیاز (۰,۱۶-) تأثیرپذیر می‌باشد. بعد اجتماعی از جمله عوامل کلیدی در شکل دادن کیفیت زندگی است که تأثیر قابل توجهی بر احساسات اساساً اجتماعی مردم دارد. این بعد در سطح میانه مورد سنجش قرار می‌گیرد و شاخص‌های آن تلفیقی از شاخص‌های ذهنی و عینی کیفیت زندگی هستند. در صحبت از بعد اجتماعی کیفیت زندگی معمولاً از ارزیابی کارکردی شهروندان سخن به میان می‌آید. به عبارت دیگر، وظیفه یا کارکردی که یک شهروند می‌تواند در اجتماع به عهده بگیرد تأثیر مهمی بر کیفیت زندگی‌اش به جا می‌گذارد. هرچه نقش و کارکرد شهروندان در امور اجتماعی بیشتر باشد کیفیت زندگی آنها افزایش می‌یابد اهمیت جنبه‌های اجتماعی در عرصه شهر سازی به حدی رسیده که یکی از ویژگی‌های شهر پایدار "پایداری اجتماعی و کیفیت زندگی بالا" عنوان شده است، به این معنا که شهر پایدار به موازات توجه به مسائل زیست محیطی، باید به مسایل اجتماعی و انسانی نیز توجه داشته باشد.

همچنین از بین ۳ شاخص، بعد زیست محیطی (مسائل زیست محیطی، خطرات طبیعی و دفع زباله و پسماند) همگی تأثیرپذیر می‌باشند. استاندارد زیست محیطی یکی از عوامل مهم در تحقیقات کیفیت زندگی است. در بین شاخص‌های کالبدی (زیرساخت و خدمات شهری، بازآفرینی شهری و مسکن) فقط شاخص (مسکن) با امتیاز (۰,۲۴۲)، تأثیرگذار و بقیه تأثیرپذیر می‌باشد.

پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که معیارهای اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی تأثیرگذار هستند. البته شرایط خاص اقتصادی منطقه شهری چابهار (دسترسی به آبهای آزاد و...) و پیشینه اجتماعی این موضوع را عینیت می‌بخشد. نتایج تحلیل اولویت‌بندی نواحی شهر چابهار با تأکید بر توزیع فضایی شاخص‌های ترکیبی کیفیت زندگی با استفاده از مدل VIKOR نشان داد که بیشترین عدد Q متعلق به ناحیه ۲ شهر چابهار با وزن (۰,۷۶۰) و کمترین وزن متعلق به ناحیه ۴ شهر چابهار با (۰,۵۷۴) می‌باشد. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که ناحیه دو شهری چابهار از وضعیت بهتری با توجه به شاخص‌های کیفیت زندگی برخوردار است. البته باد به این نکته توجه کرد که ناحیه (۲)، در جوار منطقه آزاد چابهار قرار دارد و در طی سالیان گذشته از همه جوانب (اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی)، تأثیر فراوانی پذیرفته است.

پیشنهادات

- با توجه به نظر کارشناسان و متخصصان در بین ابعاد کیفیت زندگی، شاخص‌های، بعد اقتصادی تأثیرگذارترین شاخص‌ها می‌باشند. لذا توجه بیشتر به سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه فعالیت‌های گردشگری شهری، توجه به توزیع عادلانه ظرفیت‌های اقتصادی در نواحی شهری، ایجاد سازوکار جلوگیری از سوداگری زمین بخصوص در ناحیه (۲)، به دلیل همجوار با منطقه آزاد، استفاده از ظرفیت‌های منطقه آزاد چابهار در راستای توسعه اقتصادی همه جانبه، اعطای تسهیلات بانکی با سودهای حداقلی و تقویت مراکز فنی و حرفه‌ای در زمینه مهارت آموزی با مهارت می‌تواند به باعث ارتقاء وضعیت اقتصادی منطقه شد.

- بعد اجتماعی - فرهنگی در شهر چابهار همواره به عنوان یک اهرم در توسعه شهری در چابهار مورد توجه بوده است زیرا با توجه به پیشینه طایفه‌گری و خانوادگی و مورد احترام بودن ریش‌سفیدان در میان مردم منطقه در اکثر حوزه‌های (امنیتی، اجتماعی و...) موثر بوده است. لذا پیشنهاد می‌گردد تا با حمایت و تشویق از میزان مشارکت ساکنین و استفاده از نظر شهروندان در طرح‌ها و برنامه‌های شهری از این ظرفیت بیشتر بهره برده شود.

- با توجه به نتایج، در بخش کالبدی در نواحی چهارگانه شهر چابهار تفاوت‌های اساسی وجود دارد. لذا پیشنهاد می‌گردد تا دسترسی شهروندان به خدمات و زیرساخت‌های شهری بخصوص در سطح ناحیه چهار افزایش یابد. همچنین افزایش سطوح فضاهای عمومی باز از جمله فضای سبز در سطح نواحی شهر (بخصوص ناحیه ۳ و ۴) با هدف ارتقاء استانداردهای گذران اوقات فراغت و توسعه حمل و نقل با تأکید بر حمل و نقل عمومی درون شهری و بین شهری در ارتقای کیفیت زندگی در بعد کالبدی موثر است.

- بهبود کیفیت سیستم جمع‌آوری و دفع فاضلاب و زباله و ایجاد زیرساخت‌های آب آشامیدنی در نواحی سه و چهار شهر چابهار در جهت ارتقاء زیست‌محیطی که یکی از مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار کیفیت زندگی در این نواحی می‌تواند باشد.

Reference

- Ali Akbari, E, Amini, M, (2010), Quality of Urban Life in Iran, Social Welfare Quarterly, Vol. 10, No. 36. p. 21. (In Persian).
- Chabahar Municipality, (2018). (In Persian).
- Ebrahimi, H, Hosni Moghaddam, Gh, Lorestani, A, (2015), Spatial Assessment of Quality of Life in Old Town Textures of Kouhdasht, National Conference on Old Town Historical Textures: Challenges and Strategies, Kashan, Kashan University. (In Persian).
- Eziyio, N., Iben, D. A. (2013), Subjective life sates faction in public housing in urban areas of ogun stste.
- Faraji Malaei, A, Azimi, A, Ziyari, K, (2010), Analysis of Quality of Life Dimensions in Urban Areas of Iran, Journal of Urban Research and Planning, Volume 1, Number 2, pp 1-16. (In Persian).
- Fayers PM, Machine D, (2000), Introduction. In: Fayers PM, Machine D. Quality of Life Assessment, Analysis and interpretation, st ed. UK: John Willy & Sons.
- Governorate of Sistan and Baluchestan, (2018). (In Persian).
- Harpham, T. (2001), Healthy city projects in developing countries: The first evaluation, South Bank University, London, SW8, 2JZ, UK.
- Iranian Census of Population and Housing, (2016). (In Persian).
- Jajarmi, K, Kalte, I, (2006), Measuring the Status of Citizens' Indicators of Quality of Life in the City, Case Study: Gonbad Qaboos, Journal of Geography and Development, Vol. 4, No. 8, pp 1-18. (In Persian).
- Keles, R, (2010), the Quality of life and the Environment, Social and Behavioral Sciences, V. 35, pp. 23-32.
- Krinitcyna, Z. V, Mikhailova, T. R, & german, M. V. (2016), January. Quality of life as the basis for achieving social welfare of the population. In SHS web of Conferences vol. 28, eDP Sciences.
- Lashkari, E, Khalaj, M, (2014), Measuring the quality of urban environment with a location-based approach, Ganj-e-Hunar Publications, Tehran.
- Lotfi, S, (2009), Concept of Urban Quality of Life: Definitions, Dimensions and Its Measurement in Urban Planning, Journal: New Attitudes in Human Geography (Human Geography), Volume 1, Number 4, pp 65-80. (In Persian).
- Lotfi, S, Saberi, S, (2012), Investigation and Evaluation of Citizens' Quality of Life and Inequality at Area Level in Yasuj City, Journal of Geography and Environmental Studies, Volume 1, Number 4, 2012, PP 45-59. (In Persian).
- Malekshahi, Gh, Barani Pasyan, V, Aghaei, Ar, Nami, M.H, Molavi, M, (2020), Spatial pattern analysis of quality of life indicators in urban communities (Case study: Islamshahr), Journal of New Attitudes in Human Geography (Human Geography), Volume 12, Number 1; pp 11-129. (In Persian).
- Mohit, M. A. (2014), present Trends and Future Directions of quality of life procedia-Social and Bbehavioral Sciences, 153, 655-665.
- Mousavi, M, Bagheri Kashkoli, A, (2014), Evaluating the Spatial Distribution of Quality of Life in Sardasht Neighborhoods, Journal of Urban Research and Planning, Volume 3, Number 9, pp 97-118. (In Persian).
- Oktay, D. and Rustemli, A. (2010), Measuring the Quality of Urban Life and Neighbourhood Satisfaction: Findings from Gazimagusa (Famagusta) Area Study, international journal of social sciences and humanity studies. 2 (2), pp: 27-37.

- Parandavar, S, Ghorbanzadeh Moghaddam, A, (2018), An Analysis of Quality of Life Indicators in Fourth Region of Mashhad, *Journal of Geographical Sciences, Architecture and Urban Planning*, 2 (13), pp 127-146. (In Persian).
- Pour Jafar, M.R, Kokabi, A, Taghvaei, A.A, (2005), Urban planning and quality of life in urban centers, definitions and criteria, *Urban Planning Queries*, No. 12, pp 1-13.
- Pourqorban, A, (2018), Analysis and Evaluation of Quality of Life in Urban Areas (Case Study of Tabriz Landscape), *Payashahr Monthly*, 1 (9). (In Persian).
- Rabbani Kharsegani, A, Kianpour, M, (2007), Proposed Model for Quality of Life (Case Study: Isfahan City), *Journal of Faculty of Literature and Humanities*, Volume 15, Number 59-58, pp 67-108. (In Persian).
- Roobahani, M, Babaei Finey, O, (2015), Evaluation of Urban Quality of Life Using Numerical Taxonomy Technique (Case Study: Region 2 of Tehran Municipality), *First International Conference on Geographical Sciences*, Shiraz. (In Persian).
- Rossouw, S., Pacheco, G. (2011), Measuring Non-Economic Quality of Life on a Sub-National Level: A Case Study of New Zealand, *Journal of Happiness Studies*, online first, pp. 25-42.
- Seik, T. F. (2000), Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997-1998).
- Sharifi, A.N, (2006), *Social Justice and the City: An Analysis of Regional Inequalities in Ahwaz City*, Ph.D. Thesis, University of Tehran. (In Persian).
- Shoroudi, N, (2013), Evaluation of Quality of Life Indicators and their Role in Urban Development (Case Study: Zahedan City), *Master of Science in Geography and Urban Planning*, Supervisor: Zohreh Hadiani, Department of Geography and Urban Planning, University of Sistan and Baluchestan. (In Persian).
- Smith, D, (2002), *Quality of Life: Human Welfare and Social Justice*, Translated by Hassan Hatami Nejad and The Hekmat Shahi Ardebili, *Political-Economic Information*, 17th Year, No. 186. (In Persian).
- Streimikiene, D. (2014), Comparative assessment of Environmental indicators of Quality of life in Romania and Lithuania. *Economics & Sociology*, 7(1), p11.
- Theofilou, P, (2013), Quality of life: definition and measurement. *Europe s journal of psychology*, 9(1), 67-79.
- Van Kamp I, Leidelmeijer K, Marsmana G, de Hollander AEM, (2003), urban environmental quality and human wellbeing towards a conceptual framework and demarcation of concepts, a literature study. *Landscape and Urban Planning*; 65.
- Vazifedoost, H, Amini, M, (2009), Investigating the Importance of Tehran City Quality of Life Indicators from the Viewpoint of Managers and Experts of Urban Management, *Urban Management Studies Quarterly*, Volume 1, Number 3, pp 1-18. (In Persian).
- Weziak-Bialowolska, D. (2016), Quality of life in Cities-Empirical evidence in comparative European perspective. *Cities*, 58, 87-96.
- Wish NB, (1986), Are we really measuring the quality of life? Well-being has subjective dimensions, as well as objective ones, *American Journal of Economics and Sociology*;45
- Zainal, N, Kaur, G, Aisah Ahmad, N. and Khalili, J. (2012). Housing Conditions and Quality of Life of the Urban Poor in Malaysia, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 50, pp: 827-838.

Spatial Distribution Analysis of Combined Indicators of Urban Quality of Life (Case Study: Chabahar City)

Parisa Ghaderi

Department of Geography & urban planning, Chabahar International Branch,
Islamic Azad University, Chabahar, Iran

Maryam Karimyan Bostani*

Department of Geography and urban planning, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran

Masoumeh Hafez Rezazadeh

Department of Geography and urban planning, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran

Abstract

The city itself is one of the most important indicators of welfare and social and economic development, but its rapid growth could reduce per capita possession of many social and economic facilities. And through its implications for reduced quality of life in different areas of the city appear that the problem in developing countries, including Iran, increasing urban population that often unwanted and unplanned happened very evident. Quality of life is an issue that can be enhanced by areas of development such as social, economic and physical development. Therefore, considering the importance of the subject, studies evaluating urban quality of life and how it should be distributed at district level should be considered as a necessity. Consider urban development plans at national and local levels. The purpose of this study is to analyze the spatial distribution of composite indices of Chabahar urban quality of life. The dominant approach is the qualitative and quantitative research space and the type of applied research. Techniques and models (Fuzzy DEMITEL and VIKOR) were used for data analysis. The results of the Fuzzy DEMITEL model showed that all economic dimension indices are influential. the four indicators, the social dimension of the three influential indicators, and only one indicator (educational services) and points (-0.016) is affected, also among the three indices, the environmental dimension is all influential, and of the physical indices only the index (housing) with a score (0.242) is influential and the rest is influential. The final results show the prioritization of Chabahar areas with emphasis on the spatial distribution of composite indices of quality of life using the Vikor model, the highest Q values belonged to Chabahar (2) area with weight (0.760), and the lowest weight belonged to Chabahar (4) area (0.574).

Keywords: Quality of Life, Urban Areas, Spatial Distribution, Chabahar City

* (Corresponding author)